



# ناشرانديشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (پنجم) ۲۲ حمل ۱۳۴۷ هـ ۱۱ اپریل ۱۹۶۸ ع

## طبقه جوان کارگر پیشرو و تهرین

### نیروی اجتماعی کشور

در این چندسال اخیر اید یالوک ها ئی (صاحبان نظریات اقتصاد دی و سیاسی) در کشور ظاهر شده اند که در برابر مفهوم خلق بطور عام ، زحمتکشان و طبقه کارگر کشور بصورت خاص حساسیت نشان میدهند ، از کلبه خلق و کارگرانشان وحشت مینمایند ، ضد آموزش نوین چنگ به جهان بینی های فرتوت میزنند و شعوری یا غیرشعوری به امپریالیزم ، فئودالیزم ، تاجران بزرگ دلال و بیروکراسی خدمت مینمایند .

آموزش نوین مبین این اصل جاویدان است که «خلق سازنده واقعی جریان تاریخ و نیروی تعیین کننده تکامل اجتماعی است» . توده های خلق در جامعه ما عبارتست از کارگران ، توده های عظیم دهقانان ، پیشه وران ، روشنفکران زحمتکش و دیگر قشر های تحول طلب که طبقه جوان کارگر افغانستان از لحاظ ماموریت تاریخی خود پیشروترین آنها بشمار میرود .

خلق در جامعه ما اکثریت قریب بشمار افراد کشور است ، باستانی طبقات و قشرهای حاکمه ملاکان فئودال ، تاجران بزرگ دلال و بیروکران آنها ی ملاک و تا جبر پیشه . در اینجا پرسشی بیهوده می آید که توده های مردم چس سازندگان تاریخ اند؟ پاسخ ساده و علمی است . زیرا توده های مردم تمام نعم مادی جامعه را تولید میکنند . تولید مادی اساسی زندگی اجتماعی است . زحمتکشان و توده های مردم نیروی عمده تولید اند . بدست های پرآیله کارگران و توده های مردم است که تمام ارزشهای مادی از قبیل مواد غذا ئی ، پوشاک ، دوا ، راه ، بل ، کارخانه ، ساختمانهای شهر وده و تمام لوازم زندگی ... و غیره ایجاد میشود ، افزار کار تکامل مینماید و منتج به تغییر نیرو های تولیدی میگردد و شرط لازم گذار به نظام مترقی تر اجتماعی را تهیه مینماید .

موضوع بهمینجا خاتمه نمییابد ، بلکه این توده های مردم است که نیروی عمده و اساسی جامعه را تشکیل میدهند و سر نوشت تغییرات کیفی و بنیادی اجتماعی و نهضت های سیاسی و آزادی بخش را تعیین مینمایند ، سهم عظیمی در رشد و تکامل فرهنگ میگیرند و در اثر کار و زحمت خود علم و هنر خلق میکنند . مبارزه طبقات و در درجه اول مبارزه زحمتکشان علیه استثمارگرانی ، نیروی محرک تکامل جوامع ایست که در آنها طبقات متخاصم وجود دارد . قیام های غلامان که نظام غلامی را از بین برد نیروی عمده ای بود که باعث بوجود آمدن جامعه فئودالی گردید .

(ص ۳)

# یک نظر اجمالی بر منابع مالی پلان

## پنجساله سوم کشور

-۲-

### راه تدارک سرمایه

#### الف - از منابع داخلی :

امروز در کشور سالیانه مبالغ زیادی از درآمد ملی ، بصورت بهره مالکانه ارضی و دیگر عوارض فئودالی ، صرف مخارج و مصارف بی مورد و غیر اقتصادی فئودالها میشود . انجام این گونه اصلاحات ارضی و توزیع زمین به دهاقین کم زمین و بی زمین ، ایجاد فارم های بزرگ و وسیع دولتی منابع فراوانی را به عواید ملی و عواید دولت باز میگردد و در نتیجه از یکسو موجب الغای روابط فئودالی در تولید زراعتی میگردد و از سوی دیگر باعث رشد نیروهای مؤلده و ترویج تخنیک جدید در اقتصاد دهاتی و افزایش تولید می شود . همچنان در انجام اصلاحات اساسی ارضی دهقانان کشور ، که نیروی عظیم کار اند ، از بتم استثمار ملاکین فئودال نجات می یابند و در افزایش عواید ملی نقش عظیمی را ایفا می نمایند .

- منبع دیگر عواید عبارت از ملی کردن ملی تکمیل صنایع کلیدی ، فابریک های بزرگ و متوسط ، بانکها ، وسایل حمل و نقل و تقویه روزافزون سکاتور (بخش) دولتی اقتصاد است که تجربه کشور های مترقی مؤید آن می باشد .

- از طریق ایجاد اصلاحات عمیق اداره مالی و صرفه جویی های مالی ، بهره برداری مؤثر و درست از مواد کار ، منابع مالی و منابع ثروت های طبیعی ، اصلاحات بنیادی اداری کشور ، اتخاذ یک شیوه جد ید مترقی و دموکراتیک سیستم مالی ، جلب پس انداز های مردم و تشویق سرمایه گذاری در شق صنعت ، ایجاد یک اداره مترقی اقتصادی ... و غیره میتوان مدارک معقول و قابل ملاحظه ای برای سرمایه گذاری های دولتی تهیه دید و هم عواید ملی و دولت را افزایش داد .

#### ب - از منابع خارجی :

مسلم است که منابع داخلی ، منابع عمده و اساسی تراکم سرمایه بشمار می رود . ولی از آنجائیکه افغانستان چندین صد سال از ملل پیشرفته جهان عقب مانده است و برای تهیه مقدمات یک رشد سریع اقتصاد ملی منابع بازمه بیشتر مالی و تخنیکی را ایجاد می نماید ، مبرهن است که صرفاً منابع داخلی غیر کافی میباشد . لذا جلب کمک های کشور های صلح دوست خارجی برای تقویه بنیه مالی و فنی کشور بشکل امداد ، قرضه و اعتبار تحت شرایط زیرین ضروری پنداشته میشود :

- امداد و قرضه ، بدون شرط و تعهد سیاسی باشد .  
- درامور زیرسازای اقتصاد ملی ، پروژه های بزرگ صنعتی و زراعتی و ایجاد کادر های فنی مصرف شود .  
(ص ۲)

امروز تجارب کشور ها نشان میدهد که مهم ترین و بزرگترین منبع برای تأمین وسایل لازم ، بمقصد رشد اقتصاد ملی و صنعتی ساختن کشور ، منابع داخلی است که در افغانستان از طرق ذیل بدست آمده مینماید :

- خانه دادن به تشیبات تاجران بزرگ دلال داخلی (کمپرادور ها) و تاجران خارجی و انحصارات کشور های سرمایه داری (بیش از چندین صد تاجر و نمایندگی خارجی از کشور های امریکا ، المان غرب ، جاپان انگلستان ، فرانسه ، هالند ، پاکستان ایران ، هندوستان ... و غیره برضد منافع ملی ما ، در تشیبات تجاری ساختمانی ، مالی و صنعتی مشغولند) تاجران و نمایندگی های انحصارات سرمایه داری ، سالیانه سهم قابل ملاحظه ای از ثروت ملی و از زحمت مردم ما را بشکل سود و مفاد خالص از کشور خارج مینمایند . کوتاه ساختن این نوع تشیبات خارجی موجب آن میگردد که در عواید ملی افزایش بعمل آید و حاصل آن به مصرف رشد اقتصاد ملی برسد .

بدین ترتیب هرگاه تجارت خارجی مملی گردد ، در عواید ملی و عواید دولت افزایش بزرگی بوجود می آید . - منبع دیگر تراکم سرمایه ، در نتیجه انجام اصلاحات اساسی و دموکراتیک ارضی فراهم میگردد .

### معرکه خونین کر بلا

در این هفته مسلمانان جهان روزهای یاد بود مبارزات دلیرانه شهیدانی را برگزار کردند ، که قرنهای پیش در دشوارترین شرایط ، علیه بیاد و سنگبری یزیدیان ، بیاخته بودند . پرچم با تشخیص ماهیت و ارزش اینگونه مبارزات ضد استبدادی ، بکلیه مردم تحت ستم دعوت میدهد تا سنن مبارزات ضد استبدادی کدشتگان را گرامی دارند . و بخاطر تأمین حق و عدالت اجتماعی متحدانه مبارزه نمایند .

### تبلیغات ضد مصالح ملی

خبر نگاران پرچم از گوشه و کنار مملکت اطلاع میدهند که در بعضی از ولایات دور و نزدیک کشور گروهی از مترجمین در بین مردم نجیب افغانستان ، علیه علم ، ترقی و معارف تبلیغات تحریک کننده ای مینمایند . هر گاه مقامات مسؤول از اینگونه تبلیغات ضد مصالح ملی که علی العموم از منابع خارجی سز چشمه می گیرد ، بهنگام جلوگیری نکنند ، مسؤولیت عواقب وخیم آن ، بیشتر متوجه خود آنها خواهد بود .

برده از روی «جهان آزاد» ، «جهان آزادی و دموکراسی تفنگچه و دولا» برداشت .

### ترورداکتر کنگ

داکتر مارتین لوتر کنگ زعمیم سیامبوستان امریکا با ضرب گلوله یک نفر از سفید پوستان نژادپرست و متعصب امریکایی به قتل رسید . قتل لوتر کنگ که باعث تولید هیجان و خشم عمومی در سراسر اضلاع متحده امریکا و بشریت مترقی گردیده ، نمونه دیگری از سیاست ارتجاعی ضد دموکراتیک محافل حاکمه مترجع امریکاست ، که در داخل علیه آزاد بهای دموکراتیک و در خارج از آن کشور علیه جنبشهای آزادیبخش و ترقیخواه ضد امپریالستی تعقیب می گردد .

این عمل جنایت کارانه ، بار دیگر

### دخالت در سیاست

واشترالک در نهضت حق مسلم و وظیفه مردم خلق افغانستان است

خصوصیت نظام استبداد و استعمار است تا خلق را از دخالت در سیاست و شرکت در نهضت های رهایی بخش دور و جدا نگاهدارد. محافل حاکمه ارتجاعی کشور که مداخله و اشتراک فعال طبقات زحمتکش مردم را در نهضت و امور سیاسی وطن، عظیم ترین خطر و مانع در راه منافع خویش میدانند، باتوسل به تسهید ید و حیل های گوناگون و بهانه های متعدد و اتهامات ناروا، سعی فراوان میدول میدارند تا جلو هر نوع فعالیت های سیاسی مردم را سد نمایند. هر گاه به محتویات طرح قوانین و مقررات موضوعه از جانب قوای ثلاثه دولت، به نطق های رسمی مقامات مربوط، بخصوص وزرای حکومت ها و صدراعظم ها در کشور غور عمیق شود، بخوبی آشکار خواهد گردید که تمام سعی و تلاش برای اینست تا مردم از دخالت و شرکت در سیاست و نهضت های ملی، دموکراتیک و مترقی منع گردند.

با راهیاده شده که زمانی به محصلان کشور و بعضاً به کارگران و هنگامی به دهقانان و گاهی هم به ماموران دولت و روشنفکران و اصناف مختلف اجتماعی، اخطار داده میشود که نباید در سیاست دخالت کرد و در نهضت های رهایی بخش شرکت ورزید. حتی در برخی از صنوف ماموران دولت، دخالت در سیاست جرم سنگینی بشمار میرود.

بروی این حقایق مشهود عملاً هیچ قشر و طبقه ای از خلق وجود ندارد که بشکلی از اشکال در برابر فعالیت های سیاسی آنها موانع ایجاد نشود و برای آنها چنین تلقین نگردد که دخالت در سیاست کار مردم نیست، بلکه منحصر بکسان نیست که بر کرسی های قدرت تکیه زده اند. در سیر تاریخ مبارزات ملی و آزادیخواهی کشور، صد ها مثال بارز و غم انگیزی وجود دارد که هرگاه عضوی از اعضای یک خانواده در سیاست ضد استبداد شرکت کرده، اکثر اعضای آن خانواده نیز مورد تهدید مرگ و امحاء قرار گرفته است و «جرم سیاسی» امر جمعی تلقی گردیده، نه شخصی. علت این شیوه نیروهای استبداد در طول تاریخ روشن است، زیرا علی رغم منافع محافل و طبقات اجتماعی ستمگر و بهره کش، شرکت مردم در نهضت های نجات بخش و دموکراتیک و دخالت مردم در سیاست باعث آن میگردد که اراده عظیم خلق افغانستان در سیاست داخلی و خارجی دولت تیسارز کند و دستگاه حاکمه کشور برفع خلق بچرخد. واضح است که این امر با ماهیت طبقاتی محافل حاکمه سیاسی و تمایلات ارتجاعی آنها و به بقای آنها متعارض است.

### برخی از لغات و اصطلاحات

سیاسی و اقتصادی

**استبداد:** (حکومت مطلقه) : و دیگر اندیشه هایی که بیک طبقه حکومتی است که در آن قدرت سیاسی در دست یک نفر دیکتاتور متمرکز میباشد و از آن به سود طبقه خود، بر ضد منافع خلق استفاده می نماید.

**استثمار:** تصاحب بلا عوض محصول کار دیگران. مثلاً در جامعه فیودالی، ملاکین فئودال بواسطه مالکیت بر زمین، توده های بزرگ دهقانان را استثمار می کنند. یعنی محصول کار آنانرا بلا عوض تصاحب می نمایند. و در جامعه سرمایه داری سرمایه داران بواسطه مالکیت شخصی بر وسایل تولید (فابریکه، وغیره) کارگران را استثمار و دسترنج آنان را بلاعوض تصاحب می نماید.

**بورژوازی ملی:** قشری از بورژوازی کشور های مستعمره، نیمه مستعمره و وابسته میباشد که بطور عمده به تولید و توزیع داخلی می پردازد و تاحدودی منافع وی با منافع استثمار استعماری امپریالیستی در تضاد است. بورژوازی ملی خصلت دوگانه دارد و از تغییرات سریع کیفی و بنیادی اجتماعی و مبارزه توده های زحمتکش درهراس میباشد. لذا بورژوازی ملی در مبارزات ضد فیودالی و ضد امپریالیستی متزلزل و ناستوار است.

**ایدئولوژی:** مجموعه نظرات و افکار سیاسی، قضائی، اخلاقی، هنری

(از ص اول)

### یک نظر اجمالی ...

مؤسسات ساخته شده در کشور باید جزء ملکیت دولت (عامه) باشد. ربح قرضه باید نازل باشد.

اعاده قرضه و ربح آن، باید از طریق صدور اموال (به سیستم بارنر) بعمل آید و بعد از شروع بهره برداری از مؤسسات تأسیس شده آغاز گردد، که بهترین نمونه آن در کشور صدور گاز طبیعی به اتحاد شوروی است، که از یک سو طی پنج سال پلان سوم ۲۷۲۷ میلیون افغانی عواید برای دولت تأمین می نماید (طبق راپور پلان سوم) و از سوی دیگر قرضه و ربح دستگاه ساخته شده را نیز با قسط طولی مدت اعاده میکند.

میعاد قرضه طولی مدت باشد. در خانمه تصریح میگردد که امکانات تأمین منابع و وسیع مالی تراکم سرمایه، بهره برداری از منابع ثروت سرشار کشور و تکار انداختن نیروی عظیم کار انسانی و در نتیجه افزایش در عواید ملی و دولت در افغانستان و وسیعاً موجود است ولی وجود طبقات حاکمه ارتجاعی فئودالی و نفوذ استثمار نوین است که مانع اجرای آن میشود و امکانات و شرایط را محدود مینماید.

میرهن است که به هر اندازه عواید

وقتی دستمزد و حقوق کارگران کم و ساعات کار آنها طولانی است و شرایط کار آنها هلاکت بار است، وقتی قیمت نان و غله فوق العاده زیاد است، وقتی کرایه منزل و دکان از اندازه توان مردم بالاست، وقتی صنایع خانگی و ملی و پیشه وران و تاجران متوسط و کوچک و شرکتست میشوند، وقتی کارگران و ماموران از یگانه وسیله معیشت خود، که کار است، محروم میگردد و گروه گروه خود سزانه و بدون مصونیت از کار اخراج میشوند، وقتی صد ها میلیون افغانی، دسترنج توده های مردم، بی رحمانه حیف و میل میگردد و کوچکترین توجه بحال مردم نشود، وقتی هزاران شاگرد مکاتب و لیسه ها از تحصیلات بلند تر و عالی تر و تخصصی محروم میگردد و تمام این مسائل در قلم اول معلول سیاست اقتصادی و سیاسی محافل حاکمه کشور، از آن جمله حکومتهاست، پس برو شنی معلوم است که برای ریشه کن کردن این همه فساد و بی عدالتی و تحقق جمیع مطالبات و خواسته های دور و نزدیک سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طبقات تحت ستم، نه تنها شرکت و دخالت خلق در سیاست، در مبارزه و در نهضت دموکراتیک و ملی امر ضروری و حساب میرود، بلکه اساساً باید قدرت سیاسی و حکومت باراده خلق، بدست خلق و نمایندگان واقعی خلق تعلق گیرد.

دکتر اناهیتا

پس در اینصورت راه نجات خلق افغانستان در این مرحله تاریخی عبارت است از: به پیروی از رساندن جنبش و رهایی بخش ملی و دموکراتیک کشور از طریق ایجاد دولت دموکراتیک ملی و تعقیب راه رشد غیر سرمایه داری که سرانجام تحت رهبری طبقه کارگر به «هدف غایی» می انجامد.

(آمو)

از ص اول

# طبقه جوان کارگر...

## موجنگ و استقرار صلح جاودان در کره زمین، وسالت تاریخی نیروهای پیشرو ترفیخواه جهانست .

جیش های دهقانان و دیگر قشر- ملی، در راه تأمین مصالح ملی و ترقی اجتماعی و سرانجام در راه دیگری در تاریخ بود که علل اساسی انقلابهای بورژوازی را فراهم ساخت و در نتیجه فتودالیزم تبدیل به نظام مترقی تر سر مایه داری گردید که امروزینایر شرایط مساعد ملسی و بین المللی در اغلب کشورهای کم رشد آسیائی، افریقایائی از آن جمله افغانستان که یوغ استعمار کهن را بدور افکنده اند، امکانائی بوجود آمده که تقییب راه رشد غیر سر مایه داری را بجای آن میسر میسازد) همچنان در جریان تاریخ مبارزات طبقه کارگر بحیث نیروی رهبری کننده اجتماعی، باتحاد دهقانان و دیگر قشر- های زحمتکش، بمثابة قوای محرکه دیگری بود که در یک قسمت از جهان بقایای نظام فتو دا لئو- (سرمایه داران و تاجران متوسط ملی) در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فتودالی تا حدود زیادی ارتباط به تشکیل واتحاد طبقه کارگر با دهقانان دارد که البته در کشور ما کار طولانی ودامنه داری را ایجاد می نماید. طبقه کارگر، دهقانان، پیشه وران، بورژوازی ملی (با نظر گرفتن مزاج دوگانه آن) و روشنفکران دموکرات در جنبه وسیع دموکراتیک و ملی باهم متحد میشوند .

طبقه کارگر نسبت به هر قشر طبقه دیگر زودتر شعور طبقه ای و ملی کسب می نماید. زیرا طبقه کارگر بسبب محرومیت کامل خود از هر نوع افزارتولید بیشتر استثمار میشود و بحیث طبقه پیش آهنک در برابر هر نوع ستم بمخالفت برمیخیزد و به بهترین صورت منافع حیاتی و اساسی تمام خلق را بیان میدارد .

تجربه ثابت کرده است که طبقه کارگر پیگیر ترین و استوار ترین نیروی ضد امپریالیزم است که وسیع ترین بخش خلق کارگر شهری و دهاتی را بجانب خود میکشاند .

طبقه کارگر باملشین سروکار دارد و در کارخانه ها متمرکز است و در شهرها زنده گی میکند. لهذا نسبت به هر طبقه دیگر تشکل پذیر و انضباط پذیر است و از لحاظ سیاسی از همه زودتر منافع و مصالح خویش را درک میکند .

طبقه کارگر بنا بر رشد ناگزیر صنعت در کشور طبقه رشد یافته است و در تعداد، نفوذ و نقش اجتماعی آنها روز بروز افزایش بعمل می آید .

این جاست که نیروهای ترقی خواه وطن پرست، نیروهای دموکراتیک خلق بمثابة پیش آهنک طبقه زحمتکش کشور، بفرصت افزایش نقش رهبری کننده طبقه کارگر، باید کار دا منه داری را در راه ارتقای شعور سیاسی و طبقاتی آنها و در راه سازماندهی آنها بالاخره در راه ترویج و تبلیغ ایدئولوژی طبقه کارگر ایفا کنند .

بنابراین وقتی ما از ضرورت رهبری طبقه کارگر بحیث پیشرو ترین نیروی اجتماعی در راه بانجام رساندن نهضت صحت میکشیم متکی بدلائل زیرین میبای شد .

از این جاست که نیروهای ترقی خواه وطن پرست، نیروهای دموکراتیک خلق بمثابة پیش آهنک طبقه زحمتکش کشور، بفرصت افزایش نقش رهبری کننده طبقه کارگر، باید کار دا منه داری را در راه ارتقای شعور سیاسی و طبقاتی آنها و در راه سازماندهی آنها بالاخره در راه ترویج و تبلیغ ایدئولوژی طبقه کارگر ایفا کنند .

دک این مسأله از لحاظ پرنسپب و هدف سترا تژیک مامم است. زیرا

چنین است مفهوم کلی و عمیق نظر ما درباره اینکه طبقه جوان کارگر افغانستان پیشرو ترین نیروی اجتماعی در جریان جنبش دموکراتیک و ملی کشور ما بشمار میرود . بازم درین باره و ترکیب اجتماعی و طبقاتی و ملی کشور و درباره « دوستان و دشمنان خلق » وسیعاً صحبت خواهیم کرد .

## گرگت سه پید

جنايتكار پير سر نرمي گرفت و راه گرمي وگفت: دربايان روستا بخانه عزيز نچار شوه تا رستگاري يابيد و دل فراري، گرگ سفيد چون بيد بر خود لرزيد، و فريادكشيد: هيهايت كه ديروز مرگب باري او را دريده ام و راه نجات بر خود بريده، گربه از دگران نام برد ولي بلاي سپيد يكي را گوساله كشته، آن دگري را گوسپند دريده و آن دگران راهم بي كوند نمانده، بدبينوال ازهر كسي نام گزفتي جنايتكار سپيد عذر آوري و اظهار خجالت كردي . لاچار گربه راه مشورت را کوتاه گرفت و بيه بلاي سپيد گفت: اکنون كه همه را سر بريده، دريده و ياشكسته اي راهي جز تسليم بيه سر نوست نداري، دريدن جز دريده شدن و خون گرفتن جز خون دادن كيفري ندارد و جنائيت بر جماعت هرگز بخشوده نشود .

بنابراین وقتی ما از ضرورت رهبری طبقه کارگر بحیث پیشرو ترین نیروی اجتماعی در راه بانجام رساندن نهضت صحت میکشیم متکی بدلائل زیرین میبای شد .

## گرگت سه پید

روایان آثار و نوافلان اخبار آورده اند که در روزگار کهن روستایی بود آبادان، مأمون از آفت زمان و غارت دوران، چون عروس آراسته و چون سروپراسته، اطرافش جنگلی از درختان شاداب رسته و از در و دیوارش سبزه زمردین جسته . قصه روزگاری گرگ سفید خون آشام درخومه جنگل پدید آمد که از صبح تا شام بصورت علی الدولام بر حیوانات چرنده حمله آوردی، برخی را دریدی و جمعی را شهرگ گلو بریدی، ساکنان روستا که از گزند درنده وحشی بستوه آمده بودند با مصحاب رأی روی آوردند و چاره مشکل جستند، گره کشایان و مدبران بر آن شدند فردا که آفتاب عالمتاب بر آریکه طلوع پانهد تمام جوانان و جنگ - آوران با شمشیر و کمان راه جنگل گیرند و آن ستمگر خونریز را بدست آرند تا باشد سلامت روستا اعاده گردد .

(ببرك كار مل)

(سليمان لايق)

مبارزات عادلانه آزاد یخش ملی خلقهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین یکی از سه جریان، دریک مسیر عظیم و نیرومند ضد ارتجاع، ضد جنگ - غیر عادلانه، ضد استعمار و امپریالیزم جهانی در سیاره ماست.

### استعمار زدو

دوران معاصر، دوران اضمحلال کامل استعمار است. درهم شکستن زنجیر اسارت استعمار، در زیر ضربات جنبش های آزادی بخش ملی، از نظر اهمیت تاریخی دومین حادثه ایست که بعد از ایجاد نظام جهانی نوین اجتماعی در جهان، روی داده است و بجای مستعمرات و کشورهای نیمه مستعمره سابق، بیش از ۷۰ کشور مستقل نو بنیاد در قاره های آسیا، افریقا و امریکای لاتین، با نفوس بیشتر از ۱۹۰۰ میلیون پدید گشته است.

مردم این کشورها به دوران جدید تکامل اجتماعی خود گام نهاده و اکنون در سیاست بین المللی عادلانه شرکت می ورزند و به نبروی بزرگ انقلابی جهان، مبارزه عادلانه خود را دلیرانه پیش می برند.

با وجود آنکه اکثر کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین، که در سابق مستعمره و نیمه مستعمره بودند استقلال سیاسی شانرا بدست آورده اند، ولی عملاً در قید وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای امپریالیستی میباشند و هر یک از آنها، طبق شرایط مشخص کشور خود، به اشکال مختلف علیه امپریالیزم و رژیم های ارتجاعی هوا دار آن، مبارزه می نمایند.

مبارزه گرا حاضر نیستند داوطلبانه از استثمار استعماری کشور های نو با استقلال رسیده دست بردارند. امپریالیست ها و در راس آنها امپریالیزم اضلاع متحده امریکا، مدبو حانه تلاش میکنند تا توسل به شیوه های نو و با اشکال جدید به استثمار استعماری کشور ها بیکه یوغ اسارت استعمار کهن را بدو ر انداخته اند.

امپریالیزم در پهلوی شیوه های کهنه استعماری، که هنوز در مورد بعضی از کشورها تطبیق می شود، شیوه های زرنک تر، پنهانی تر و مهلك تر استعمار نو را بکار می برد. استعمار نو چیز دیگری جز ادا مه استعمار کهن به شکل جدید نمی باشد.

استعمار نو، استعمار دوران تلاشی و ورشکست سیستم استعماری است. استعمار نو عبارت است از حفظ تسلط امپریالیستی و تحکیم و توسعه این تسلط در مستعمرات سابق به شکل مستور وزیر پرده ایست تعریف صحیح و علمی از استعمار نو، که هیچگونه تو چیه و طرف دیگر ندارد، هر گونه تو چیه و طرفی برای

دوران معاصر، دوران اضمحلال کامل استعمار است. درهم شکستن زنجیر اسارت استعمار، در زیر ضربات جنبش های آزادی بخش ملی، از نظر اهمیت تاریخی دومین حادثه ایست که بعد از ایجاد نظام جهانی نوین اجتماعی در جهان، روی داده است و بجای مستعمرات و کشورهای نیمه مستعمره سابق، بیش از ۷۰ کشور مستقل نو بنیاد در قاره های آسیا، افریقا و امریکای لاتین، با نفوس بیشتر از ۱۹۰۰ میلیون پدید گشته است.

مردم این کشورها به دوران جدید تکامل اجتماعی خود گام نهاده و اکنون در سیاست بین المللی عادلانه شرکت می ورزند و به نبروی بزرگ انقلابی جهان، مبارزه عادلانه خود را دلیرانه پیش می برند. با وجود آنکه اکثر کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین، که در سابق مستعمره و نیمه مستعمره بودند استقلال سیاسی شانرا بدست آورده اند، ولی عملاً در قید وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای امپریالیستی میباشند و هر یک از آنها، طبق شرایط مشخص کشور خود، به اشکال مختلف علیه امپریالیزم و رژیم های ارتجاعی هوا دار آن، مبارزه می نمایند. مبارزه گرا حاضر نیستند داوطلبانه از استثمار استعماری کشور های نو با استقلال رسیده دست بردارند. امپریالیست ها و در راس آنها امپریالیزم اضلاع متحده امریکا، مدبو حانه تلاش میکنند تا توسل به شیوه های نو و با اشکال جدید به استثمار استعماری کشور ها بیکه یوغ اسارت استعمار کهن را بدو ر انداخته اند. امپریالیزم در پهلوی شیوه های کهنه استعماری، که هنوز در مورد بعضی از کشورها تطبیق می شود، شیوه های زرنک تر، پنهانی تر و مهلك تر استعمار نو را بکار می برد. استعمار نو چیز دیگری جز ادا مه استعمار کهن به شکل جدید نمی باشد. استعمار نو، استعمار دوران تلاشی و ورشکست سیستم استعماری است. استعمار نو عبارت است از حفظ تسلط امپریالیستی و تحکیم و توسعه این تسلط در مستعمرات سابق به شکل مستور وزیر پرده ایست تعریف صحیح و علمی از استعمار نو، که هیچگونه تو چیه و طرف دیگر ندارد، هر گونه تو چیه و طرفی برای

### حقوق کارگران تلف میشود

هفته گذشته عدنه از کارگران شرکت تعمیراتی کپسار، به اداره پرچم مراجعه و نسبت به اینکه ریاست شرکت از یکسال باینطرف، علی رغم قرار دادی که با ایشان عقد کرده، از پرداخت حقوق شان سرباز میزند و به مراجعات مکرر آنان درین زمینه بازورگویی جواب میدهد، شکایت کردند.

طوریکه نماینده پرچم به غرض تحقیق موضوع با مقام مسؤل شرکت تعمیراتی کپسار تماس گرفت، مقام موصوف به حقیقت امر اعتراف کرد، ولی از ایفای تکلیف خود در برابر ادعای قانونی کارگران شان خالی نمود.

پرچم که دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشسان محروم کشور را وظیفه بزرگ خویش میداند، جداً دقت مقامات مسؤل را درین مورد جلب میکند و طرح و تصویب قانون عادلانه کار و کارگرا را به نفع کارگران کشور در برابر اینگونه خود سزیمها و حق تلفی ها امری جدی و ضروری میدانند.

ایجاد تفرقه و نفاق، عدم اتحاد و بخش اتهامات ناروا در بین نیرو های ملی و دمو کراتیک و وطن پرست و ترقیخواه، جلوگیری و تخریب جنبه متحد ملی و دمو کراتیک که علیه ارتجاع داخلی و بین المللی مبارزه می نماید.

بر انگیختن اختلافات ملی، مذ هبی، نژادی و غیره و اجرای سیاست «تفرقه انداز و حکومت کن».

توطئه، ترور، سب و تاز، فشار اقتصادی، تطمیع و تهدید... و غیره. اینست و سایل چندیکه بصورت فور مول بندی شده، از شیوه ها و اشکال جدید استعمار نو ارائه گردید که در آینده راجع به اشکال و چهره های مختلف آن و خطراتیکه از این ناحیه به استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور های کم رشد متوجه است، بطور مفصل بحث بعمل خواهد آمد.

میر اکبر (خیبر)

### پرچم

به دو زبان پښتو و دری فعلا پروژهای پنجشنبه نشر می شود

### عفریت ارتجاع

عفریت از تجاع، جلا ده کهنه کار! خود را نگاهدار... که توفان خشم خلق،

این سیل بی امان: آخر به کام مرگ فرو میرد ترا

ای اهر من!... گریخت در آغوش قرنها، آن شوم لحظه ها... کاندیشه های تار تو چون اختر سیاه،

یاجشم دوزخی، آکنده از گناه... در آسمان روشن بندار خلقها، میگرد جلوه ها.

آری... گذشت!... آنروزها گذشت که دیوسیه درون، با جامه سیلیو، مرموز و پرفسون... گمگشتگان وادی شبهای چهل و یک، در پرتگاه و هم، میگرد سر نگون.

ای مرگت بارسا...! رویای پیر دردل و برانه قرون! امروز، علم رهبر بیدار خلقهاست، انسان به بال دانش نو میزود پناه، بس روشنست راه.

وین مرغ چرخاز، هرگز نمی پود، اندر هوای تو، اندر هوای تو که چو جروح گناهکار... بس تیره است و تار.

ای جغد کور! بر برج قلعه کهن، این آشیان شوم، بیجا نهاده می. اینجا مسیر خروشان زندگیت، فرزند روزگارتو، این موج پیشرو، آخر بکام مرگ فرو میرد ترا!

(بارق شفیع)

مشترک  
مرکز: سا لانه ۱۰۰ - افغانی  
ولایات و پښتو نستان: سا لانه ۱۱۰ - افغانی  
خارج کشور: سا لانه ۱۰۰ - افغانی  
قیمت یک شماره: ۲ - افغانی  
۳۸۵۳ پښتانی تجار تی بانک.

سال تاسیس: حوت ۱۳۴۶  
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: سلیمان «لایق»  
آدرس: غوثی مارکیت  
محمد جانخان واپ  
کابل - افغانستان  
نمبر حساب جاری جریده: